

یک‌شنبه ۶ مهر ۱۴۰۴ | ۵ ربیع‌الثانی ۱۴۴۷



جامع به موضوع، از زمینه‌ها و پیامدهای اجرای این ایده بگوید. امید آنکه علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **در تبیین صورت‌مسئله**

از روزی که توافق طائف در ۱۹۸۹ استخوان لای زخم جنگ داخلی لبنان شد، تیغی در غلاف باقی ماند؛ سلاح حزب‌الله! این تیغ که از بطن مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل در دهه ۸۰ میلادی کشیده شد، نه تنها به نمادی از قدرت نظامی و هویت شیعیان لبنان، بلکه به کاتون اصلی مناقشات سیاسی داخلی و بین‌المللی در این کشور تبدیل شد. این سلاح هم‌در نگاه‌هایش به‌ویژه در میان جامعه شیعه و نیروهای وفادار به مقاومت، ضامن حیات شیعه و لبنان در برابر تهدیدات خارجی و داخلی محسوب می‌شود و هم برای مخالفتش اعم از بخش‌هایی از مسیحیان، اهل سنت و جریان‌های سیاسی ملی‌گرا، مانع از تکوین حاکمیت بیگانه‌گرا تلقی می‌شود. امروزه پس از گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ داخلی و گذر از چندین پیچ حساس منطقه‌ای و بین‌المللی، موضوع خلع سلاح حزب‌الله، بار دیگر از سوی مخالفان این جریان مطرح شده‌است. این بار، موضوع از سطح زمزمه‌های سیاسی و فشارهای دیپلماتیک فراتر رفته و به سه مرحله مذاکرات رسمی و طرح‌های مشخص رسیده که بافشارهای بین‌المللی و نیازهای مرم اقتصادی لبنان گره خورده‌است. آینده لبنان و ساختار سیاسی و امنیتی آن به‌شدت به سرنوشت این «تیغ در نیام» وابسته‌است.

■ **ریشه‌های ایده خلع سلاح حزب‌الله**

ریشه‌های طرح موضوع خلع سلاح حزب‌الله به سالیان تأسیس این گروه بازمی‌گردد. حزب‌الله اوایل دهه ۱۹۸۰ با الهام از انقلاب اسلامی ایران و زیر سایه آموزش، سازماندهی و پشتیبانی لجستیکی سنیاه پالستداران انقلاب اسلامی به‌عنوان یک نیروی نظامی شیعی و برای سر کردن خلأ امنیتی-سیاسی‌ای که با پایان یافتن جنگ داخلی نیز کاملاً رقیف نشد، قد علم کرد. این گروه به‌سرعت به یکی از مؤثرترین نیروهای مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل تبدیل شد و توانست با توسل به تاکتیک‌های چریکی و جنگ نامنظم، پس از خروج اسرائیل از بخش اعظم جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، مشروطیت مقاومت و در نتیجه ایده خلع سلاح حزب‌الله تقویت شد. حزب‌الله توانست جایگاه خود را نه تنها به‌عنوان یک نیروی نظامی، بلکه به‌عنوان یک نهاد سیاسی و اجتماعی قوت‌مند، در جامعه شیعه و به‌طور کلی کشور لبنان تثبیت نماید. این گروه به‌تدریج به یکی از بازیگران اصلی صحنه سیاسی لبنان تبدیل شد و حتی در چارچوب توافق طائف – که به جنگ داخلی پایان داد- به‌عنوان تنها گروه مسلح لبنانی که وجود سلاحش در راستای مقاومت در برابر اشغالگری توجیه می‌شود، مطرح شد. با این حال، این وضعیت پایدار نماند. جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ و پیامدهای آن به‌ویژه صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، نقطه عطف مهمی در پرونده خلع سلاح حزب‌الله بود. این قطعنامه ضمن تأکید بر آتش‌بس و استقرار نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (یونیفیل) در جنوب لبنان بر لزوم خلع سلاح شبه‌نظامیان و احترام به حاکمیت دولت لبنان تأکید کرد. هرچند این بند، به‌طور مشخص به حزب‌الله اشاره نداشت، اما در عمل، تلاشی برای محدود کردن قدرت نظامی گروه‌های غیردولتی بود. بااین وجود، این بند هرگز کاملاً توسط دولت لبنان یا جامعه بین‌المللی – که خود در اجرای کامل آن متفق نبودند- اجرا نشد و حزب‌الله به حفظ و توسعه زرادخانه عظیم خود ادامه داد.

■ **نقاط عطف در پرونده خلع سلاح حزب‌الله**

۱- توافق طائف – ۱۹۸۹: این توافق که به جنگ داخلی لبنان پایان داد، یکی از بندهای اصلی خود را به خلع سلاح همه شبه‌نظامیان لبنانی اختصاص داد. اما به دلیل شرایط خاص و مداخله نیروهای خارجی، استثنائاتی برای سلاح حزب‌الله، برای مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل قائل شد. این امر، به پایه اصلی ادامه حضور سلاح غیردولتی تبدیل شد.

۲- خروج اسرائیل از جنوب لبنان – ۲۰۰۰: خروج نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF) از بخش اعظم مناطق اشغالی جنوب لبنان، نه تنها پیروزی بزرگی برای حزب‌الله محسوب شد، بلکه مشروعیت مقاومت و حفظ سلاح این گروه را در میان بخش قابل توجهی از جامعه لبنان تقویت کرد. این رویداد، بحث خلع سلاح را برای سال‌ها به حاشیه راند.

۳- جنگ ۳۳ روزه و قطعنامه ۲۰۰۶-۱۷۰۱: جنگ شدید بین حزب‌الله و اسرائیل و متعاقب آن صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت، تلاش جهانی برای اتمام این محدود کردن قدرت نظامی حزب‌الله و تأکید بر انحصار سلاح در دست ارتش لبنان را به‌شدت افزایش داد. این قطعنامه به‌وضوح بر لزوم خروج نیروهای مسلح غیردولتی از مناطق عملیاتی و تقویت حاکمیت دولت لبنان تأکید داشت.

۴- حضور در سوریه – ۲۰۱۷-۲۰۱۱: مداخله مؤثر حزب‌الله در جنگ داخلی سوریه و در حمایت از دولت مستقر، ابعاد منطقه‌ای سلاح حزب‌الله و همچنین نقش آن به‌عنوان یک نیروی تعیین‌کننده را برجسته‌تر کرد. این حضور، اتهامات قبلی مبنی بر دخالت در امور تعیین‌کننده منطقه و بین‌الملل را تشدید کرد. در این دوره بحث خلع سلاح حزب‌الله، فراتر از مرزهای لبنان و به یک مسئله منطقه‌ای تبدیل شد.

■ **نظرو گذری بر بازیگران پروژه خلع سلاح حزب‌الله**

پرونده خلع سلاح حزب‌الله لبنان، صحنه‌ای است که در آن بازیگران متعدد داخلی و خارجی با منافع و مواضع متفاوت نقش‌آفرینی می‌کنند. در ک این منافع و مواضع برای تحلیل آینده این پرونده حیاتی ضرورت دارد.

■ **بازیگران داخلی**

۱- حزب‌الله لبنان: حزب‌الله سلاح را نه تنها یک ابزار نظامی، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت، قدرت‌بازارندگی و توان چانه‌زنی خود در صحنه سیاسی لبنان و منطقه می‌داند. این گروه خلع سلاح کامل در شرایط فعلی را – که از آن به ضعف در برابر تهدیدات اسرائیلی و عربی تعبیر می‌شود- قبول

عاریخ

تاریخ ۶۰۰۸۵۲۳



توطئه خلع سلاح حزب‌الله لبنان، پیشینه و چشم‌انداز

«تیغی در نیام»

به مثابه عامل صیانت از لبنان

ندارد. خطوط قرمز اصلی حزب‌الله در این زمینه، شامل آزادسازی کامل مزارع شبعاً و کفر شوبا که آن را اشغال شده توسط اسرائیل می‌داند، مقابله با هر گونه تجاوز اسرائیل به خاک لبنان و همچنین حفظ توانایی دفاعی در برابر تهدیدات خارجی است. حزب‌الله سلاح خود را وسیله مقاومت در برابر اسرائیل تعریف و از پذیرش هر گونه تحلیلی که این سلاح را به‌عنوان ابزار سرکوب داخلی یا تهدید علیه حاکمیت ملی تلقی کند، سر باز می‌زند.

۲- جریان‌های سیاسی مسیحی مانند جریان ملی آزاد و اهل سنت (المستقبل): این گروه‌ها، حفظ دولت حزب‌الله را مانعی اساسی در برابر حاکمیت کامل دولت لبنان و گسترش قانون و نظم در سراسر کشور تلقی می‌کنند. آنها خلع سلاح حزب‌الله را شرط اصلی برای بازگشت ثبات و توانمندسازی ارتش لبنان به‌عنوان تنها مرجع مشروع استفاده از زور در کشور می‌دانند. برخی از این جریان‌ها با توجه به نقش منطقه‌ای حزب‌الله و ارتباط آن با ایران این سلاح را عاملی در جهت تضعیف موقعیت لبنان در جهان عرب و غرب نیز معرفی می‌کنند. با این همه مخالفان به این پرسش پاسخ نمی‌دهند که دولت لبنان تا چه حد توان صیانت از خود و مردم در برابر اسرائیل، چه رسد به حفاظت از حزب‌الله را دارد؟

۳- ولید جنبلاط و جریان دروزی: جنبلاط با توجه به موقعیت استراتژیک و تاریخی خود در سیاست لبنان، موضعی مابنه ار اتخاذ کرده‌است. او در دوره‌های مختلف، از یک‌سو ضرورت حفظ سلاح مقاومت در برابر اسرائیل را درک و از سوی دیگر، پیامدهای منفی حضور این سلاح در منازعات داخلی و منطقه‌ای را نیز گوشزد کرده‌است! موضع او، معمولاً به سمت یافتن راه‌حل‌های مرط‌حالی و مبتنی بر حفظ حداقلی از ثبات و جلوگیری از تنش‌های بیشتر است.

۴- ارتش لبنان (LAF): ارتش لبنان در این مناقشه، نقش داور رسمی و مرجع دولتی را ایفا نمی‌کند. بااین حال، توانایی‌های نظامی و ظرفیت‌اجرای دستورات سیاسی آن به شدت به حمایت‌های خارجی و اجماع سیاسی داخلی وابسته‌است. ارتش لبنان در عمل، در برابر قدرت نظامی و سیاسی حزب‌الله، فاقد اقتدار و در بسیاری از موارد مجبور است، با واقعیت وجود سلاح این گروه کنار بیاید. ارتش، عموماً بر لزوم انحصار سلاح در دست دولت تأکید دارد، اما اجرای این اصل را منوط به شرایطی می‌داند که بتواند بدون ایجاد شکاف عمیق در بافت اجتماعی به تشدید درگیری‌های مسلحانه، آن را به انجام برساند.

■ **بازیگران خارجی**

۱- ایران: جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان حامی اصلی و تأمین‌کننده اولیه ظرفیت نظامی، آموزشی و مالی حزب‌الله، خلع سلاح این گروه را ضربه‌ای استراتژیک به موقعیت منطقه‌ای جبهه مقاومت و یکی از مؤلفه‌های کلیدی تضعیف قدرت این جبهه تلقی می‌کند. ایران حفظ درگیری‌های مسلحانه، آن را به انجام برساند.

■ **تحولات اخیر در پرونده خلع سلاح حزب‌الله:** نشان‌دهنده تشدید فشارهای بین‌المللی و داخلی و نیز ورود بحث به مراحل عملیاتی تر است. در این دوره، شاهد چند تحول اساسی بوده‌ایم:

۱- طرح تار باراک (۵ آگوست ۲۰۲۵): در اوایل ماه آگوست، تام باراک فر ستاده ویژه امریکا به لبنان،

سلاح حزب‌الله را عاملی برای بازدارندگی در برابر فشارها بر مقاومت منطقه‌ای و همچنین ابزاری برای جلوگیری از توسعه طلبی فرانیده اسرائیل در غرب آسیا می‌داند. ۲- اسرائیل: اسرائیل، زرادخانه عظیم حزب‌الله را – که تخمین زده می‌شود شامل بیش از ۱۰۰ هزار راکت و موشک باشد- بزرگ‌ترین تهدید در مرزهای شمالی خود می‌داند. اسرائیل معتقد است این زرادخانه، توانایی بازماندگی او را کاهش داده و خطر درگیری‌های گسترده را افزایش می‌دهد. تل آویو خلع سلاح حزب‌الله را اولویت اصلی خود در منطقه معرفی و ادعا می‌کند که در صورت حصول پیشرفت در این زمینه، حاضر است در قبال این امتیازات هم بدهد. هرچند در عمل، رویکرد اصلی اسرائیل، تخریب زیرساخت‌های نظامی حزب‌الله است و تجربه تاریخی، امتیازدهی این حکومت را متنتفی می‌شد.

۲- انفجار وادی زریقین (۹ اگوست ۲۰۲۵): در ۹ اگوست، در حادثه‌ای که جزئیات آن هنوز کاملاً روشن نشده‌است، شش سرباز ارتش لبنان هنگام خنثی‌سازی مهمات کشف شده در منطقه وادی زریقین جان باختند. این حادثه، نگرانی‌ها در مورد خطرات ناشی از پراکندگی سلاح و مهمات در دست گروه‌های غیردولتی و همچنین لزوم کنترل ارتش بر این ذخایر را تشدید کرد. برخی تلاش کردند در جهت اهداف سیاسی خویش این حادثه را به تلاش‌های حزب‌الله برای مخفی کردن زرادخانه‌های خود یا عدم همکاری با ارتش در زمینه انهدام مهمات مربوط کنند.

۳- جلسه کابینه (۵ سپتامبر ۲۰۲۵): در پنجم سپتامبر جلسه کابینه لبنان برگزار شد. که در آن طرح ارتش لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله (که به موازات طرح تام باراک ارائه شده بود) مورد بحث قرار گرفت. کابینه ضمن پذیرش کلیات طرح ارتش بر لزوم تدوین یک جدول زمانی مشخص برای اجرای آن تأکید کرد، اما عملاً از تعیین زمان‌بندی خاصی امتناع ورزید. خروج وزرای متماایل به حزب‌الله و متحدانش از این جلسه، شاکر شکاف عمیق در بدنه دولت بر سر این مسئله بود.

۴- حملات اسرائیل (۴ اگوست- سپتامبر ۲۰۲۵): در واکنش به آنچه فعالیت‌های تهدید‌پدایمیز حزب‌الله» خوانده شد، اسرائیل در طول ماه‌های آگوست و سپتامبر، حملات خود به خاک لبنان را تشدید کرد. این حملات شامل پروازهای گسترده جنگنده‌ها و پهپادهای مسلح بر فراز مناطق جنوبی و شرقی لبنان بود که گفته می‌شد با هدف قرار دادن انبارهای سلاح و مراکز فرماندهی حزب‌الله انجام می‌شود. این حملات، تنش‌ها را در مرزهای دو کشور افزایش داد.

۵- موضع حزب‌الله: حزب‌الله در قبال طرح‌های خلع سلاح، موضع مشروطی را اتخاذ و اعلام کرده‌است تنها در صورتی حاضر به مذاکره در مورد خلع سلاح خواهد بود که پیش شرط‌های آن از سوی اسرائیل رعایت شود. این پیش شرط‌ها شامل عقب‌نشینی کامل اسرائیل از ارتقاغات اشغالی جنوب لبنان (از جمله مزارع شبعاً و کفر شوبا) و همچنین توقف همه حملات هوایی و زمینی به خاک لبنان است. حزب‌الله همچنین بر لزوم تضمین‌های بین‌المللی برای امنیت لبنان در برابر تهدیدات اسرائیل

■ **وضعیت فعلی پروژه خلع سلاح**

تحولات اخیر در پرونده خلع سلاح حزب‌الله، نشان‌دهنده تشدید فشارهای بین‌المللی و داخلی و نیز ورود بحث به مراحل عملیاتی تر است. در این دوره، شاهد چند تحول اساسی بوده‌ایم:

۱- طرح تار باراک (۵ آگوست ۲۰۲۵): در اوایل ماه آگوست، تام باراک فر ستاده ویژه امریکا به لبنان،



قاتل زوزندگان در لبنان



می‌تواند به ظهور مجدد ناامنی و بی‌ثباتی در مناطق مختلف منجر شود.

۲- چالش خلع سلاح ظاهری: همان‌طور که اشاره شد، اگر خلع سلاح تنها جنبه نمایشی داشته باشد و بخش قابل توجهی از زرادخانه و توان رزمی حزب‌الله مخفی بماند، این امر نه تنها اعتماد بین‌المللی را جلب نخواهد کرد، بلکه ممکن است به استمرار تهدید نظامی منجر شود. این حالت، صرفاً وضعیت موجود را در انفاف جدیدی پنهان می‌کند.

۳- چالش تجزی به یا جنگ داخلی: هر گونه اقدام قهر آمیز و بدون اجماع برای خلع سلاح می‌تواند منجر به واکنش شدید حزب‌الله و متحدانش گردد و خطر تجزی به لبنان به مناطق نفوذ یا حتی شعلهور شدن دوباره آتش جنگ داخلی را به‌شدت افزایش دهد. بافت سیاسی و اجتماعی لبنان به‌شدت شکننده است و هر گونه اقدام نسنجیده‌ای ممکن است پیامدهای فاجعه‌باری داشته باشد.

۴- چالش وابستگی فراینده به خارجی‌ها: اگر فرایند خلع سلاح و بازسازی صرفاً بر اساس طرح‌ها و کمک‌های خارجی صورت گیرد، خطر افزایش وابستگی لبنان به قدرت‌های خارجی و از دست دادن استقلال ملی در تصمیم‌گیری‌های راهبردی وجود دارد. طبعاً بخش مهمی از جامعه لبنان، پذیرای چنین چیزی نخواهد بود.

■ **نظری به الزامات**

۱- اراده سیاسی داخلی قوی: بزرگ‌ترین عامل تعیین‌کننده در موفقیت یا شکست هر طرح خلع سلاح، وجود اراده سیاسی قوی و اجماع نسبی میان همه احزاب و طوایف لبنانی است. بدون این اراده، هر طرحی محکوم به شکست خواهد بود. این اراده باید شامل تعهد به حاکمیت دولت و انحصار استفاده از سلاح، تنها برای یک نهاد باشد.

۲- حمایت و تضمین قاطع بین‌المللی: جامعه بین‌المللی به ویژه قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه‌ای ذینفع، باید چارچوب‌های حمایتی و تضمین‌های امنیتی لازم را برای اجرای موفقیت‌آمیز طرح خلع سلاح فراهم آورند. این حمایت می‌تواند شامل کمک‌های مالی، فنی، آموزشی و نظامی برای ارتش لبنان و همچنین تضمین‌های امنیتی برای تمام طرف‌های درگیر باشد.

۳- پیوند اقتصاد و امنیت: شرایط و خیم اقتصادی لبنان، می‌تواند انگیزه‌ای قوی برای پذیرش راه‌حل‌ها باشد. مشروط‌سازی کمک‌های اقتصادی بین‌المللی به پیشرفت در پرونده خلع سلاح می‌تواند بسان یک اهرم فشار عمل کند. هر چند توافق یک سال اخیر نشان داد مقاومت حزب‌الله و بدنه اجتماعی آن احتمال توقف فشار در پروژه‌هایی اینچنین را پایین می‌آورد.

۴- تدوین یک نقشه راه روشن و مرحله بندی شده: بی‌تردید اجرای یکباره و بدون آمادگی، پروژه خلع سلاح را با شکست مواجه خواهد کرد. در این قفره، تدوین یک نقشه راه روشن با مراحل مشخص، جدول زمانی واقع‌بینانه و سازوکارهای نظارتی مؤثر خواهد بود. این نقشه راه باید قابلیت انعطاف پذیری برای مواجهه با چالش‌های پیش‌بینی نشده را داشته باشد.

۵- تقویت ارتش و نهادهای امنیتی لبنان: موفقیت خلع سلاح، مستلزم آن است که ارتش و نهادهای امنیتی لبنان به‌عنوان تنها مرجع مشروع استفاده از سلاح، توانمند شوند. این توانمندسازی باید هم در زمینه تجهیزات و هم در زمینه آموزش و اقتدار سیاسی صورت گیرد تا بتوانند مسئولیت امنیت کشور را به عهده گیرند. فراهم آوردن این الزامات، نیازمند تلاش هماهنگ و صادقانه تمام بازیگران داخلی و خارجی است و هر گونه کوتاهی در یک یا این زمینه‌ها ممکن است پرونده خلع سلاح را با چالش‌های جدی روبه‌رو کند، امری که احتمال آن فراوان می‌نماید.

■ **فرجام تمایز در نیام»**

خلع سلاح حزب‌الله لبنان، صرفاً یک موضوع حاشیه‌ای در حیطه مناقشات داخلی این کشور نیست. اکنون این مسئله به تمامیت ارضی و امنیت لبنان مرتبط شده‌است. بقا یا عدم بقای لبنان در گرو چگونگی حل و فصل این پرونده است. عبور از این چالش می‌تواند راه را برای بازگشت ثبات سیاسی و اقتصادی به این کشور بگشاید و جایگاه آن را در جهان عرب و دنیای بین‌الملل مجدداً تثبیت کند. با این همه بی‌املائی در تسلیم به فشارهای اسرائیل و هم پیمانان آن می‌تواند این کشور را به سرنوشت سوری به چار کند و آن را به ورطه تجزی به و فرسایش تدریجی سوق دهد. تیغ حزب‌الله چه عاملی در تأمین استقلال و امنیت این کشور عمل کرده و صهیونیست‌ها را در تحقق رؤیاهای خویش ناکام ساخته است. از سوی دیگر ارتش لبنان نیز توانایی دفاع از کشور و تکرر داخلی آن را ندارد و این را در برهه‌های گوناگون و مهم‌تر از همه اکنون نشان داده است. هم از این روای

بعید می‌نماید، خلع سلاح حزب‌الله در میان اغلب جریانات این کشور و حتی بدنه اجتماعی با استقبال و ابرام مواجه شود و آنگونه که دلخواه اسرائیل است، پیش برود.

■ **منابع و مآخذ:**

Atlantic Council – گزارش‌های مربوط به تحولات پس از قطعنامه ۱۷۰۱

Geopolitical Monitor – تحلیل عملکرد و موقعیت حزب‌الله در معادله لبنان- اسرائیل.

Today Politics – مقالات مصاحبه‌محور با شخصیت‌های لبنانی درباره آینده حزب‌الله.

The Washington Institute – بررسی نظامی-امنیتی و توصیه‌های سیاست‌گذاری برای قدرت‌های غربی

و چند قطعه خبری از: *BBC, Jazeera Al, Reuters*.

۲۴ برای وقایع فروری مرداد و شهریور ۱۳۵۲.

تیغ حزب‌الله چه در نیام باشد و چه بیرون از آن، تا به حال به مثابه عاملی در تأمین امنیت لبنان عمل کرده و صهیونیست‌ها را در تحقق رؤیاهای خویش ناکام ساخته است. از سوی دیگر ارتش لبنان نیز توانایی دفاع از کشور و تکرر داخلی آن را ندارد و این را در برهه‌های گوناگون و مهم‌تر از همه اکنون نشان داده است. بعید می‌نماید خلع سلاح حزب الله از سوی اغلب جریانات این کشور و نیز بدنه اجتماعی با استقبال مواجه شود

تأکید دارد. این تحولات نشان می‌دهند پرونده خلع سلاح حزب‌الله، وارد مرحله حساسی شده‌است که در آن فشارهای بیرونی و داخلی دولت لبنان را به اتخاذ مواضع متفاوت از گذشته سوق داد، در حالی که این گروه نیز با اتخاذ مواضعی مشروط تلاش می‌کند تا از منافع و دستاوردهای خود در موضوع حفظ سلاح محافظت کند.

■ **نگاه سناریویی به آینده**

آینده پرونده خلع سلاح حزب‌الله و به تبع آن آینده سیاسی و امنیتی لبنان به عوامل متعددی بستگی دارد و می‌توان سناریوهای مختلفی را برای آن متصور شد:

۱- ادغام و خلع سلاح تدریجی: این سناریو بر مبنای توافق مر حله‌ای میان دولت لبنان، حزب‌الله و جامعه بین‌المللی استوار است. در این حالت ممکن است بخشی از نیروهای حزب‌الله تحت پروتکل‌هایی مشخص در ارتش و نیروهای امنیتی لبنان ادغام شوند، در حالی که باقیمانده نیروها به زندگی غیرنظامی باز می‌گردند. این روند نیازمند ضمانت‌های امنیتی قوی برای حزب‌الله، پذیرش یک چارچوب قانونی جدید برای فعالیت‌های نظامی و امنیتی و همچنین کمک‌های مشروط بین‌المللی برای بازسازی نهادهای دولتی و ارتش لبنان است. شرایطی که ذات و جوهره دولت اسرائیل بعید است اجازه تحقق آنها را بدهد. به هرروی این سناریو، بسیار چالش برانگیز به شمار می‌رود. موفقیت آن نیز به میزان بالای همکاری سیاسی داخلی و حمایت فعال جامعه بین‌المللی بستگی دارد.

۲- خلع سلاح ظاهری و زرادخانه مخفی: در این سناریو به الگوی آن در بسیاری از کشورهای شاهد در گیری مشاهده شده است، حزب‌الله ممکن است به نمایشی از خلع سلاح تن دهد! این بدان معناست که بخش قابل توجهی از تسلیحات سنگین و غلنی حزب‌الله تحویل داده یا در پایگاه‌های مشخصی نگهداری شود اما در عین حال شبکه‌های ذخیره سلاح، نیروهای آموزش دیده نیمه‌فعال و توانمندهای اطلاعاتی و عملیاتی حزب‌الله، همچنان حفظ شوند. این رویکرد می‌تواند به رفع برخی نگرانی‌های بین‌المللی و داخلی کمک کند و در عین حال، حزب‌الله را قادر سازد تا در صورت لزوم، مجدداً توانمندهای نظامی خود را احیا نماید. این سناریو، ریسک بالایی بی‌اعتمادی بین‌المللی و داخلی را به همراه دارد و ممکن است نتواند به‌طور کامل به هدف انحصار سلاح در دست دولت منجر شود.

۳- بن بست سیاسی و استمرار حاکمیت دو گانه: در این سناریو، عدم دستیابی به اجماع سیاسی خروج وزرای متماایل به حزب‌الله و متحدانش از این منطقه‌ای و بین‌المللی، مانع از پیشرفت در پرونده خلع سلاح می‌شود. در نتیجه وضعیت موجود ادامه می‌یابد و حاکمیت دو گانه (وجود دو قدرت نظامی و سیاسی موازی، یعنی دولت لبنان و حزب‌الله) در این کشور حفظ خواهد شد. این امر شرایط دولت کنونی را نیز سوان دولت‌های پیشین خواهد ساخت که مجبور بودند وجود حزب الله مسلح را به مثابه قدرتی انکارناپذیر ب‌قبول کنندو

با آن کنار بیایند.

۴- رویارویی و فروپاشی: در بدترین سناریو، تلاش اجباری و قهرآمیز از سوی دولت لبنان یا نیروهای بین‌المللی برای خلع سلاح حزب‌الله با مقاومت شدید و مسلحانه این گروه مواجه خواهد شد. این امر می‌تواند منجر به درگیری‌های مسلحانه گسترده‌از سرگیری جنگ داخلی یا درگیری‌های منطقه‌ای شود. چنین روندی، پیامدهای گسترده‌ای برای لبنان به همراه خواهد داشت، از جمله فروپاشی کامل یا تنسسی نهادهای دولتی، افزایش بی‌ثباتی منطقه‌ای و تلفات قابل توجه انسانی. این سناریو در صورتی محتمل است که فشارهای خارجی به‌حدی افزایش یابند که حزب‌الله مجبور به دفاع جدی از خویش شود.

هر یک از این سناریوها، پیامدها و الزامات خاص خود را برای لبنان ومنطقه دارند و آینده این کشور به نحوه مدیریت این چالش مهم بستگی خواهد داشت.

■ **تحلیل چالش‌ها و الزامات خلع سلاح**

فرایند خلع سلاح حزب‌الله با چالش‌های جدی همراه است و موفقیت هر گونه تلاش در این زمینه، نیازمند درک عمیق و مدیریت این چالش‌ها و همچنین فراهم آوردن الزامات اساسی آن است.

■ **نظری به چالش‌ها**

۱- چالش ادغام ناقص: در صورت موفقیت اولیه ادغام نیروهای حزب‌الله در ارتش لبنان، این امر احتمال وجود داره که بخش‌هایی از این نیروها یا به دلیل ناراضایتی از شرایط ادغام یا به دلیل حفظ وفاداری‌های تشکیلاتی، به‌صورت گروه‌های انشعابی یا باندهای مسلح مخفی عمل کنند! این مسئله

قاتل زوزندگان در لبنان